

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

## مدیریت راهبردی امنیت شیعه در مناسبات امامان معصوم با شیعیان به عنوان الگوی بهره‌گیری از ظرفیت شیعی صدور انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

سید محمد طباطبائی<sup>۲</sup>

### چکیده

مناسبات امامان معصوم و شیعیان در دو دوره قابل تحلیل است. دوره اول، دوره میانه‌ی امامت امیر مؤمنان (ع) تا آغاز امامت امام سجّاد (ع) و دوره دوم، تا شهادت امام حسن عسکری (ع) را در بر می‌گیرد. دوره اول چهار ویژگی دارد: شخصیت خاصّ سیاسی امامان، تربیت اعتقادی شیعیان، چالش با شیعیان سیاسی و نبود امنیت جانی برای شیعیان. مدیریت راهبردی امامان برای امنیت شیعه در این دوره عبارت از آموزش و تربیت شیعیان و کوشش در دو سویه‌ی امنیت سخت و امنیت نرم است. اما دوره دوم، دوره نظام‌سازی و طرح ریزی دولت سایه در جهت مدیریت راهبردی امنیت شیعه در برابر نظام سلطه و تنظیم روابط ایشان است که به حکم استقراء مشتمل بر نظام اجرایی، نظام آموزشی، نظام مالی، نظام قضائی، نظام ارتباطی و نظام فرهنگی است که نظام جامع اداری پنهان را شکل می‌دهد و امامان به عنوان رهبران جریان اعتراض از آن بهره‌جسته‌اند تا از نابودی شیعه جلوگیری شود. پیشنهاد نویسنده، به کارگیری و تطبیق عصری این فرایند راهبردی در جهت صدور انقلاب اسلامی و افزایش گستره تمدن نوین اسلامی در سایر کشور‌های جهان با استفاده از اقلیت شیعیان است.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت راهبردی، شیعه، امنیت، امامت، دولت سایه.

### ۱. مقدمه

مدیریت راهبردی امنیت متوقف بر تحقق سه عنصر رهبری واحد، نیروی اجتماعی منسجم و نظام اجرایی راهبردی است که اگر اختلالی در هر کدام از آن‌ها روی دهد، مدیریت راهبردی با شکست مواجه می‌شود و از همین رو، بررسی حیات شیعه در عصر اهل بیت (ع) و مدیریت راهبردی ایشان با تأکید بر سه عنصر امامت - به عنوان رهبری واحد - شیعیان - به عنوان نیروی اجتماعی - و رفتار راهبردی امامان در سیاست‌گذاری و تقابل با نظام سلطه - به عنوان نظام اجرایی و برنامه‌ریزی - قابل تبیین است. مناسبات میان اهل بیت و شیعیان - به عنوان نیروی اجتماعی ایشان - را باید با توجه به سیر کلی تطوّر شیعه در عصر امامت تبیین نمود. شیعه از عصر حکومت امیر مؤمنان تا سال‌های نخستین ایام امامت امام زین‌العابدین (ع) بیشتر حزب سیاسی تا گروه اعتقادی است که ره‌آورد شکاف علوی-عثمانی میان مسلمانان پس از قتل عثمان و به خلافت رسیدن حضرت امام علی (ع) است؛ هرچند شیعیان اعتقادی نیز در میانه‌ی این گروه حضور دارند و مورد تربیت امامان واقع می‌شوند اما آن‌چه نمود اجتماعی دارد، شیعه به عنوان حزب سیاسی است. (مفید، ۱۴۱۳ حرّ عاملی، ۱۴۲۵ و سماوی، ۱۴۱۹) پس از ترویج اندیشه شیعی

۱. این مقاله از تحقیق پایانی سطح ۲ رشته تاریخ اسلام مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع) قم استخراج شده است.

۲. حوزه علمیه قم، آدرس الکترونیکی نویسنده مسئول: pasokhgooy@chmail.ir

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسایت و سومین خردادماه ۱۳۹۸

توسط امام زین العابدین (ع) با زمینه سازی و به صورت ابتدائی و سپس امامان صادقین (ع) به صورت پیشرفته و در سطح گسترده و تداوم سازمان یافته آن در دوران امامان دوره های بعد، شیعه به صورت جریانی فکری- فرهنگی- سیاسی بروز کرد که صبغه ی اعتقادی مذهبی دارد. بنابر این، دو مرحله تاریخی را برای شیعه در مناسبات با امامان در نظر می گیریم. نویسنده به کارگیری و تطبیق عصری این فرایند راهبردی را در خصوص صدور انقلاب اسلامی با بهره گیری از اقلیت شیعیان در دیگر کشور ها پیشنهاد می کند. چنین اقدامی می تواند افزایش گستره تمدن نوین اسلامی در جهان و تقابل عملی با نظریات الحادی «نظم نوین جهانی» و «برخورد تمدن ها» را رقم زند.

### ۲. مفاهیم

#### ۲-۱. مدیریت راهبردی<sup>۱</sup>

مدیریت راهبردی یا مدیریت استراتژیک از مفاهیم پر انگارانه و پر تعریف است که با رویکرد ها و در حوزه های مختلف راهبردی مطرح شده است (سهراب خلیلی شورینی، بی تا و مهدی مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۰) و در یک تعریف کلی عبارت است از «بررسی محیطی (خارجی و داخلی) تدوین استراتژی، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل». (مسعود غلامی، ۱۳۸۸، ۱۹۸) بنابر این، مدیریت راهبردی اساساً بر فرایندی دلالت می کند که راهبرد ها و ساز و کار آن در قالب سازمانی اش به اجرا در آید و نظارت دقیق بر حسن اجرا نیز صورت پذیرد. به همین جهت مدیریت راهبردی، «یک مفهوم جامع است که در آن بر مرادده پویا با محیط و یک روش شناختی تدریجی تأکید می شود. این روش، بررسی محیط را برای انتخاب هدفی که بیشترین سود را در برابر تلاش به عمل آمده عاید خواهد کرد، میسر می سازد.» (سهراب خلیلی شورینی، بی تا، ۱۲۸)

#### ۲-۲. امنیت<sup>۲</sup>

امنیت، مفهوم عام و جامعی است که دلالت بر وضعیتی دارد که شریان ها و ارزش های حیاتی، منافع، مصالح و هنجارهای مورد نظر تأمین شود که به نسبت فضاهای امنیتی گوناگون مصادیق متفاوتی می یابد (علی محمد نائینی، ۱۳۹۱)؛ مانند حوزه ی منافع ملی، منافع مشترک یا منافع بین الملل. اگر حوزه مصالح دین -به عنوان حقیقتی الهی و هدایت گر و نه صرفاً امری عقیدتی و معنوی- را به این فضا اضافه کنیم، علاوه بر امنیت ملی، امنیت منطقه ای و امنیت بین الملل، امنیت دینی نیز می تواند به عنوان یک محیط امنیتی لحاظ شود. رویکرد های متفاوت به مفهوم امنیت، آن را چند ساحتی کرده است که در سه قسم امنیت نرم، امنیت سخت و امنیت نیمه سخت تبیین می شود. (علی محمد نائینی، ۱۳۹۱) آن چه در این پژوهش مطمح نظر واقع می شود، از یک سوی، ساحت امنیت نرم است که مربوط به وضعیت امن در حوزه ی موضوعات نرم افزاری مانند علم، دین، فرهنگ، سیاست و اجتماع می گردد. و از سوی دیگر امنیت سخت که مربوط به حوزه های سخت افزاری-نظامی در وضعیت امن است.

#### ۲-۳. موضوعات مرجع<sup>۱</sup>

1. Strategic Management  
2. Security

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در مباحث امنیت پژوهی، «موضوعات مرجع تعیین کننده نهایی وضعیت کشور در چهارچوب امنیت نرم بوده و مبنای قدرت نرم در مصونیت بخشی و حفاظت و همچنین جنگ نرم در حمله و ایجاد خطر می باشد.» (علی علیخانی، ۱۳۹۳، ۶۲) بنابر این، موضوعات مرجع به طور کلی عبارت از عناصری است که بر وضعیت محیط امنیتی خاص دلالت می کند و میزان تهدید یافتگی آن، به مثابه ی تهدید کل محیط امنیتی است.

### ۲-۴. نظام

از واژه ی نظام، تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما در نوشتار حاضر به معنای منظومه ای از رفتارها است که در ارتباط سازمان یافته ای میان امامان (ع) و عموم شیعیان با محوریت سازمان وکالت و خواص از اصحاب ایشان انجام می گرفت.

### ۳. مناسبات امامان و شیعیان در دوره اول

این دوره مراحل گوناگونی را طی می کند: دوره ۲۵ ساله ی امامت امیر مؤمنان (ع) در عصر خلفای سه گانه، دوره چهار ساله ی خلافت ایشان، دوره تقریباً هفت ماهه ی خلافت امام مجتبی (ع)، دوره ده ساله امامت ایشان و یازده ساله امامت سید الشهدا (ع) به ضمیمه سال های نخستین امامت امام سجاد (ع). این دوره از ویژگی هایی برخوردار است:

#### ۳-۱. ویژگی های این دوره

##### ۳-۱-۱. شخصیت ویژه ی سیاسی امامان

ویژگی اصلی و نخستین این دوره آن است که امامان یا متصدی امر خلافت هستند یا به عنوان نامزد خلافت نزد مردم و حاکمیت به شمار می آیند. مشارکت مسلمانان در به خلافت رسیدن امیرمؤمنان (ع)، بیعت سریع مردم کوفه با امام مجتبی (ع)<sup>۲</sup> و دعوت نامه های بسیار آنان از پذیرفتن امر حکومت توسط امام حسین (ع) نشان از همین نکته دارد. به عبارت دیگر، آن چه این دوره را از دوره بعد متمایز می کند شخصیت ویژه ی سیاسی امامان است که در دوره بعد یافت نمی شود و شکل گیری شیعه سیاسی پیوند مهمی با آن دارد.

##### ۳-۱-۲. تربیت اعتقادی شیعیان

ویژگی دوم این دوره، تلاش اهل بیت (ع) برای گذار شیعیان از حزب سیاسی به جریان اعتقادی است که ثمره آن در دوره دوم نمایان می شود. خطبه های امام علی (ع) پس از تصدی خلافت، خطبه امام مجتبی (ع) پس از شهادت امیرمؤمنان (ع) و تربیت شاگرد توسط ایشان پس از بازگشت به مدینه در همین راستا قابل توضیح است:

#### 1. Reference Objects

۲. شیخ مفید در این باره - پس از ذکر خطبه امام حسن (ع)<sup>۱</sup> (ع) پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع) - می گوید: عبدالله بن عباس مقابل امام ایستاد و گفت: ای مردم! این فرزند پیغمبرتان و وصی امامتان است پس با او بیعت کنید. مردم فوراً اجابت کرده و گفتند: چه مقدار نزد ما عزیز و حق او بر عهده ما واجب است! پس در بیعت با او برای خلافت تسریع کردند. (مفید، ۱۴۱۳، ۸-۹)

# هشتمین کنگرۀ اسلامی الگوی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پشیمانان، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

(۱) خطبه های امام علی (ع)

امام در برخی خطبه های خود -مانند خطبه های ۱۳۱ (منبریه) و ۱۴۴ نهج البلاغه- به مسأله امامت، شرایط امام و فضائل اهل بیت تصریح می نمود و در برخی دیگر از خطبه ها -مانند خطبه ۱۶۰- از طریق تبیین سیره نبوی (ص) مردم را به قضاوتی می کشاند تا آن سیره فراموش شده را در خاندان نبوی ببینند و در برخی گفتگوها -مانند خطبه های ۳ (شقشقیه) و ۱۶۲- مذمت خلفا می نمود.

(۲) خطبه امام حسن (ع)

امام مجتبی (ع) در اولین خطبه خود پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع)، پدر و خویش را چنین توصیف کرد:

امشب، مردی رحلت نمود که پیشینیان در عمل بر او سبقت نگرفته و دیگران در عمل او را درک نکرده اند. او همراه رسول خدا مجاهدت می کرد و با جان خود از او حفاظت می نمود. با علم خود دنباله روی او بود و جبرئیل او را از سوی راست و میکائیل از سوی چپ در می پیچید و باز نمی گشت تا خدا بر او فتح رساند. و او در امشب از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن عروج کرد و یوشع بن نون وصی موسی از دنیا رفت. ... ای مردم! هرکسی که مرا می شناسد که می شناسد و هر کس مرا نمی شناسد من حسن پسر محمد (ص) هستم. من پسر بشارت دهنده هستم. من پسر انذار دهنده هستم. من پسر دعوت کننده به خداوند به اذن او هستم. و من پسر چراغ نور بخش هستم و من از اهل بیت هستم که خدا ناپاکی را از آنان برده و تطهیرشان کرده است و کسانی که خداوند مودت ایشان را در کتاب خود واجب کرده است هنگامی که می فرماید: «و من یقترف حسنة نزد له فیها حسناً» (شوری، ۲۳) و هرکس اکتساب حسنه کند در حُسن او می افزاییم. اکتساب حسنة مودت ما اهل بیت است. (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ۶۲) امام در این سخنرانی به صراحت عصمت اهل بیت (ع) را مطرح می کند و از مشابهت های امیرالمؤمنین (ع) با پیامبران الهی و ارتباط ایشان با فرشتگان سخن می گوید.

(۳) شاگردان امام حسن (ع)

امام شاگردان زیادی تربیت کرد که به عنوان روایان شناخته می شدند. ابن عساکر نام آنان را چنین نقل کرده است: حسن مثنی، مسیب بن نجبه، سوید بن غفله، علاء بن عبد الرحمن، شعبی، هبیره بن یریم، أصبغ بن نباته، جابر بن خالد، أبو الحوراء، عیسی بن مأمون بن زراره، أبو یحیی عمیر بن سعید النخعی، أبو مریم قیس الثقفی، طحرب العجلی، و إسحاق بن یسار پدر محمد بن إسحاق، عبد الرحمن بن ابی عوف، سفیان بن اللیل، و عمرو بن قیس الکوفیون. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۳، ۱۶۳)

۳-۱-۳. روابط چالشی میان امامان و شیعیان

ویژگی سوم این دوره، چالش های امامان در مواجهه با شیعیان سیاسی و تزلزل آنان است که حکمیت، جنگ نهروان، صلح امام حسن (ع) و نقش مردم کوفه در قیام عاشورا مصادیق آن هستند. بررسی شکاف میان گروه های حاضر در سپاه امام حسن (ع) در جنگ با معاویه، این مدعا را تأیید می کند:

۱. خوارج که پس از امیرمؤمنان (ع) به امام حسن (ع) پیوسته بودند.

هشتمین کنگره‌س الکوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الکوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۲. افراد متمایل به بنی امیه که مترصد فرصتی برای الحاق به امویان بودند اما یا امکان آن را نداشتند یا دچار کینه توزی نسبت به امام شده بودند.

۳. افرادی که صرفاً برای غنایم جنگی در سپاه امام حضور می یافتند.

۴. گروهی که به خاطر تعصبات قبیله‌ای آمده بودند.

۵. گروه سست عنصر.

۶. افراد مؤمن و مخلص. (حکیم، ۱۴۲۹)

این مسأله موجب شد تا در این دوره، امامان به سبب عدم برخورداری از نیروی اجتماعی منسجم به موفقیت در برابر نظام سلطه دست نیابند.

۴-۱-۳. نبود امنیت جانی برای شیعیان

ویژگی چهارم این دوره، نبود امنیت جانی برای شیعیان است که از آغاز حکومت مغیره بن شعبه بر کوفه تا پایان قدرت حجاج ثقفی بر آن شدت یافت و در دوره بعد نیز توسط منصور عباسی دنبال شد. امام حسن (ع) نیز در بیان فلسفه صلح با معاویه و در پاسخ به اعتراض کنندگان نسبت به پذیرش صلح این گونه فرمود: شما شیعیان و اهل مودت ما هستید. اگر بر تدبیر در امر دنیا فعالیت و برای سلطنت آن تلاش می کردم معاویه شجاع تر، سر سخت تر و با جدیت و کوشش بیشتر از من نیست. اما می بینم آن چه را شما نمی بینید و آن چه انجام دادم را قصد نکردم مگر برای حفظ خون. پس راضی به قضای الهی باشید و تسلیم امر او شوید و ملازم منازل خود شوید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴، ۲۹-۳۰)

همچنین امام محمد باقر (ع) در توصیف مظلومیت شیعیان در این دوره می فرماید:

و بزرگی این [فتنه] زمان معاویه پس از مرگ [امام] حسن (ع) بود. شیعیان ما در هر شهر به قتل رسید و دست و پا به گمانی [به شیعه بودن] قطع می شد و هر کس دوستی و همنشینی ما را یاد می کرد زندان می شد یا مالش به غارت می رفت یا منزلش ویران می شد. سپس بلا تا زمان عبید الله بن زیاد قاتل [امام] حسین (ع) شدت و فزونی گرفت سپس حجاج آمد و آنان را چنان کشت و به هر گمان و اتهامی می گرفت تا آن که شخص از آن که زندیق یا کافر شناخته شود بیشتر دوست می داشت از این که به او شیعه گفته شود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۱، ۴۳-۴۴)

#### ۴. مناسبات امامان و شیعیان در دوره دوم

در این دوره امامان معصوم -که رهبران بخشی از جریان اعتراض علیه حاکمیت نیز هستند- اهداف مهمی را در ارتباط با مدیریت شیعه -به عنوان نیروی اجتماعی امامت- به انجام رساندند: تثبیت و ترویج شیعه به عنوان یک مکتب عقیدتی، تلاش برای تقویت شیعیان و در نتیجه، گسترش تشیع عقیدتی.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ترویج و تثبیت شیعه در این دوره مرهون چندین اقدام راهبردی از سوی اهل بیت (ع) است:

### ۴-۱. تأسیس نظام آموزشی

امام باقر (ع) مدارس خود را در مدینه، کوفه و قم تأسیس کرد. مدرسه مدینه به صورت مستقیم توسط امام و مدارس کوفه و قم -در ذیل مدرسه کوفه- توسط شاگردان ایشان اداره می شد. در ری و خراسان نیز مدارس تأسیس شد. (حکیم، ۱۴۲۹) این مدارس در دوران امام صادق (ع) تعمیق یافت و در حوزه های علمی گوناگون گسترش پیدا کرد. شکل گیری مجامع روایی توسط شاگردان این مدارس و نگارش اصول حدیثی از این دوران به بعد به صورت جدی دنبال شد. محقق داماد در این باره می نویسد: «مشهور آن است که اصول اربعه‌أه توسط چهار صدنفر از راویان امام صادق (ع) تألیف شده است.» (میرداماد، ۱۳۱۱، ۹۸) هشام بن سالم نیز می گوید: محمد بن مسلم چهار سال در مدینه اقامت داشت. بر امام باقر (ع) وارد می شد و سؤال می کرد؛ پس از شهادت ایشان بر امام صادق (ع) وارد می شد و سؤال می کرد. ابن ابی عمیر گفته است: از عبدالرحمن بن حجاج و حماد بن عثمان شنیدم که هیچ یک از شیعیان فقیه تر از محمد بن مسلم نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۷، ۳۹۳-۳۹۴) از آثار تأسیس این نظام آموزشی، افزایش توان علمی شیعیان در برابر اهل سنت و جریان های فکری این دوره بود. علامه مجلسی در بحار الانوار، جلد ۴۵، صفحات ۳۹۶-۴۱۳ برخی از مناظرات شاگردان امام صادق (ع) را نقل کرده است.

### ۴-۲. تأکید بر مسأله عاشورا

پس از شهادت امام حسین (ع)، مسأله عاشورا به عنوان یکی از موضوعات مرجع در امنیت نرم شیعه، مبنای قدرت آن و در فرهنگ سیاسی اش قابل تحلیل است. در این راستا، اقدامات مؤثری از ناحیه امامان معصوم انجام شد تا این قیام دچار فراموشی نشود. امام سجاد (ع) قریب به چهل سال بر پدرش گریست. (ابن قولویه، ۱۳۵۶) امام باقر (ع) فرمود: شیعیان ما را به زیارت حسین بن علی امر کنید و زیارت او بر هر کس که به امامت [امام] حسین اقرار کند واجب است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۲۱) امام رضا (ع) در طی حدیثی نسبتاً طولانی ریان بن شیبب را به اهمیت مظلومیت، عزا و زیارت امام حسین (ع) و اهمیت ماه محرم متوجه ساخت و در ضمن آن فرمود: ای پسر شیبب! اگر گریه کننده بر چیزی باشی بر حسین بن علی بن ابیطالب (ع) گریه کن زیرا مانند ذبح گوسفند، ذبح شد و هجده نفر از اهل بیت او همراهش به قتل رسیدند. (صدوق، ۱۳۷۶، ۱۳۰) و همچنین در احوال امام کاظم (ع) فرمودند: هرگاه ماه محرم وارد می شد پدرم خندان دیده نمی شد و حزن بر او غلبه می یافت تا این که روز دهم از آن می گذشت. روز دهم، روز مصیبت و حزن و گریه او بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴، ۲۸۴) ظهور نسل شاعران حسینی در مجالس عزاداری نیز در ادامه همین روند قابل تأمل است. جواد شبر در کتاب «ادب الطفّ أو شعراء الحسین» به صورت مبسوط و به تفکیک قرن ها، نام شاعران عاشورایی را ذکر کرده است.

موضع منفی هارون و متوکل در برابر زیارت حسینی نیز قابل توجه است. در سال ۲۳۶ هجری، متوکل دستور به تخریب حرم امام حسین (ع) داد و حتی منازل اطراف آن را نابود کرد، دستور به کشاورزی در آن محل نمود و مردم را از زیارت آن ممنوع ساخت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۷، ۵۵) تا به طور کلی قبر امام پنهان شود و امکان یافتن آن نباشد. اقدام متوکل در عصر امام هادی (ع) رخ داد و حرم حسینی در این دوره -با وجود زیارتگاه اهل بیت در مدینه، نجف،

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و سوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بغداد و طوس - تنها مرقد اهل بیت نبود اما صورت پذیرد. پیش از او نیز هارون آن را منهدم ساخته بود و همگام با فرمان تخریب به نظر می رسد موقعیت راهبردی زیارت سید الشهداء و گرایش عمومی به حرم ایشان، موجب شد تا این تخریب گسترده منازل اطراف، دستور زراعت در آن جا را داد تا قبر مطهر به طور کلی محو شود. (شریف القرشی، ۱۴۱۳)

### ۴-۳. تأسیس نظام مالی

تلاش اهل بیت برای تقویت مالی شیعیان و جبران مشکلات اقتصادی آنان، از جمله اقدامات مهم ایشان در تثبیت شیعه است زیرا فشار اقتصادی، به مثابه تهدیدی ماند که زمینه تزلزل در اعتقاد و وابستگی به سایر جریان ها شود. همچنین برخی از اهل سنت با کمک های مالی امامان به جرگه دوستداران ایشان ره می یافتند. (مفید، ۱۴۱۳) منابع مالی این مساعدت ها، وجوهات شرعی شیعیان بود که یا مستقیم توسط هر امام مصرف می شد یا وکلا با اجازه ایشان به محرومان شیعه پرداخت می کردند و به همین خاطر، سازمان وکالت در سازمان یافتگی و نظام مندی این رفتارهای مالی نقش به سزایی دارد. کارکرد این وجوهات در تأمین نیازهای مالی مربوط به دین و امامت نیز قابل توجه است. نویسنده از این گردش مالی سازمان یافته که از یک سوی بر محور وجوهات شرعی و از سوی دیگر در ارتباط سازمان وکالت تعریف می شد را نظام مالی اهل بیت (ع) در این دوره می داند. جباری نیز به ویژگی های این نظام پرداخته است. (جباری، ۱۳۸۲) البته باید خاطر نشان کرد که تعبیر از نظام مالی غیر از وجود نظام اقتصادی است. نظام اقتصادی متفرع بر تأسیس حاکمیت است اما شکل گیری نظام مالی از طریق دولت سایه نیز امکان دارد.

شیخ مفید درباره گستره مساعدت های امام کاظم (ع) می نویسد: جماعتی از اهل علم ذکر کرده اند که ابوالحسن [موسی بن جعفر] دویست دینار را به سیصد دینار می رساند و کیسه های ابو الحسن موسی ضرب المثل بود. (مفید، ۱۴۱۳، ۱، ۲۳۴) ابو جعفر عثمان بن سعید عمری می گوید: ابوطاهر بن هلال حج رفت. به علی بن جعفر [همدانی از وکلای امام هادی] نگاه کرد که انفاق های بسیار انجام می دهد. پس از پایان حج به امام حسن عسکری (ع) درباره این قضیه نامه نوشت. امام در پاسخ او نوشت: ما به او صد هزار دینار داده بودیم سپس مانند آن [صد هزار] به او دادیم اما از پذیرش آن به خاطره باقی ماندن نزد ما امتناع ورزید. به مردم چه ارتباطی دارد که در امور ما دخالت می کنند و حال آن که آنان را در این امور وارد نساختیم؟ و بر ابوالحسن العسکری (امام هادی) وارد شد و [امام] به او سی هزار درهم بخشید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۰، ۲۲۰) این دسته روایات نشان می دهد که علاوه بر امامان معصوم (ع)، وکلای ایشان نیز به اوضاع معیشتی شیعیان رسیدگی می کردند و این امر حکایت از ارتباط شیعه با رهبری خود از طریق سازمان وکالت دارد.

### ۴-۴. تأسیس نظام ارتباطی

مقصود از نظام ارتباطی، مجموعه سازمان یافته ای از ارتباطات میان امامان با شیعیان و کارگزاران ایشان در سازمان وکالت است؛ ارسال و دریافت نامه ها میان امامان و شیعیان که توسط کارگزاران سازمان وکالت منتقل می شد (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ و خزعلی، ۱۴۲۴)، قرار های سالیانه ایشان در ایام حج (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ و خزعلی، ۱۴۲۴) و سامان دهی ارتباطات شیعیان با خود از طریق ارجاع آنان به نمایندگان و عالمان شیعی هر منطقه از جمله مواردی

## هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

است که نشان از وجود یک نظام ارتباطی در جامعه شیعی دارد که توسط اهل بیت (ع) در دوره دوم مناسبات خود با شیعیان تأسیس شده است.

۴-۵. تأسیس نظام قضائی

آن چه از قرائن و احادیث به دست می آید این است که امامان -از عصر امام صادق (ع) به بعد- نظام قضائی را تأسیس کردند که شیعیان -جز در شرایط تقیه- موظف به ارجاع منازعات خود بدان بودند و قضات آن به طور کلی در دو دسته قرار می گرفتند: دسته اول استادان و دانش آموختگان نظام آموزشی ایشان در مناطق گوناگون که با نصب عام برگزیده شده اند و ظاهراً محل دادرسی آنان معین نبوده است و دسته دوم، افرادی که مورد تنفیذ رأی امام قرار گرفته و در حاکمیت قرار داشتند.

برای اثبات این مدعا به بررسی و مقایسه میان چهار روایت از کتاب القضاء وسائل الشیعة می پردازیم:

۱. از امام سجّاد (ع) روایت شده است: هر گاه در [ذیل حکومت] امامان جور باشید در احکام آنان قضاوت کنید و خود را شناسا ننمایید که به قتل می رسید؛ هر چند اگر به احکام ما تعامل کنید برای شما خیر است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۲۲۶-۲۲۷)

۲. سالم بن مکرم جمّال می گوید: امام صادق (ع) می فرماید: مبدا که برخی از شما با برخی دیگر به اهل جور قضاوت برد و لیکن به کسی از خودتان بنگرید که چیزی از قضاوت ما می داند و او را در میان خود [قاضی] قرار دهید زیرا من او را قاضی قرار دادم پس قضاوت و حکمیت نزد او ببرید. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۳-۱۴ و ۱۳۹)

۳. احمد بن فضل کناسی می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: چیزهایی از شما به من رسیده است. گفتم: چیست؟ فرمود: به من [خبر] رسیده است که قاضی ای را در کناسه نشانده اید. گفتم: بله فدایت شوم. مردی به نام عروه القتات است که بهره ای از عقل دارد که نزد او جمع می شوند و مورد گفتگو و پرسش [در قضاوت] قرار می گیرد و سپس آن [قضاوت] به [حکم] شما ارجاع می شود. فرمود: مانعی ندارد. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۴۷)

۴. علی بن مهزیار از امام هادی (ع) روایت می کند که: از ایشان پرسیدم آیا اخذ به احکام مخالفین -در آن چه از ما در احکام خود اخذ می کنند- بکنیم؟ نوشت: ان شاء الله برای شما جائز است اگر سلوک شما تقیه از آنان و مدارا با ایشان است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۲۲۶)

از تحلیل این روایات، روایات مشابه و تأسیس نظام آموزشی توسط امامان چند نکته مشخص می شود:

۱. پیش از دوران امام صادق (ع) و دانش آموختگی در نظام آموزشی اهل بیت (ع)، شیعیان آگاه به دین بسیار اندک و در مضیقه شدید بودند و امکان برپایی دستگاه قضاوت -هرچند پنهان- وجود نداشت. گویا به همین جهت امام سجّاد (ع) با اطلاق در کلام خود، شیعیان را از هرگونه مخالفت با حکم قضات سلطان بر حذر می دارد.

۲. امام صادق (ع) در روایت سالم با تحریم حکمیت قضات جور و معرفی شخص آگاه به دین به عنوان قاضی مشروع، او را مورد نصب عام خود قرار داده و شیعیان را موظف به اطاعت از آنان می کند.



## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳. آگاهی از دین در حدّ قضاوت نیازمند آموزش است و به همین جهت، به نظر می‌رسد که قضاوت توسط شاگردان امامان و شاگردان ایشان در مدارس تابعه صورت می‌پذیرفت.

۴. امام صادق (ع) در روایت کناسی قاضی مورد رجوع مردم را ارزشیابی می‌کند و پس از اطلاع از اهتمام او به فقه اهل بیت (ع)، وی را در قضاوت تنفیذ می‌نماید.

۵. همچنین مکاتبه علی بن مهزیار با امام هادی (ع) از این جهت قابل توجه است که ممنوعیت رجوع به قضات جور در این عصر به حدّی در فرهنگ سیاسی شیعه تحکیم یافته است که او در نامه خود اصل این مطلب را مفروض گرفته و از فروع آن پرسش می‌کند.

### ۴-۶. تأسیس نظام اداری

نظام اداری امامان رکن اساسی این مناسبات است که به منزله قلب نظام‌های تأسیس شده توسط ایشان بوده و با سازمان وکالت و مراکز آموزشی به هم پیوسته - که تماماً تحت رهبری مستقیم امامان و سپس شاگردان ایشان بود - معنا می‌یابد. در حقیقت سازمان وکالت و سازوکار اجرایی آن خبر از وجود یک نظام اداری پنهان و جامع می‌دهد که امور شیعیان را به رهبری امام معصوم مدیریت می‌کند و ارتباط میان امام و مأموم را تحکیم می‌بخشد.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه در تبیین احوال وکلای اهل بیت (ع) گزارش‌هایی نقل نموده است که می‌توان نقش سازمان وکالت را به عنوان یک نظام اداری از آن استفاده کرد:

۱. شأن مالی نظام اداری: هشام بن احمر می‌گوید: اموالی را به طرف ابو ابراهیم [امام کاظم (ع)] در مدینه می‌بردم. فرمود: آن را بازگردان و به مفضل بن عمر بده. (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۴۷) تحویل نگرفتن اموال توسط امام و ارجاع آن به وکیل خود نشان می‌دهد که دریافت اموال از سازمان یافتگی برخوردار بوده است و امامان در طی نظامی مشخص امور مالی شیعیان را مدیریت و منابع مالی امامت را مصرف می‌کردند.

۲. هماهنگی در نظام اداری: امام هادی (ع) به وکلای خود در بغداد، مدائن، سواد و اطراف آن نوشت: ابو علی بن راشد را جایگزین علی بن حسین بن عبد ربه و وکلای پیش از او قرار داد. (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۵۰-۳۵۱) این اطلاع‌رسانی در وجود نظم و هماهنگی میان وکلا قابل تبیین است که نظام مندی ساختار اجرایی (نظام اداری) در سازمان وکالت را به دست می‌دهد.

۳. سرّی بودن نظام اداری: شیخ در این باره می‌گوید: هر گاه شیعه اموالی را که بر آنان واجب بود را به طرف ابو محمد [امام عسکری (ع)] می‌بردند، به ابو عمرو [عثمان بن سعید] می‌سپردند و او آن را درون کیسه و مشکى از روغن قرار می‌داد و آن را با تقیه و ترس به ابو محمد می‌رساند. (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۵۴) از این مطلب چنین می‌توان استفاده کرد که حتّی در سخت‌ترین شرایط، واسطه‌هایی میان امام و شیعیان وجود داشته است که روابط را تنظیم و مسائل اجرایی شیعه را حل و فصل می‌کرد. باقر شریف قرشی درباره ارتباط امام کاظم (ع) با کارگزاران سازمان وکالت می‌گوید:

## هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

امام (ع) جماعتی از شاگردان و اصحابش را برگزید و وکلای خود در برخی مناطق اسلامی قرار داد و شیعیانش را برای اخذ احکام دینی به آنان ارجاع می داد؛ همان طور که ایشان را در دریافت حقوق شرعی به جهت مصرف شدن برای فقرا و نیازمندان شیعه و انفاق آن در راه های خیر و نیکو وکالت داد. (شریف القرشی، ۱۴۱۳، ۲، ۳۹۴)

۴-۷. بهره گیری از نخبگان سیاسی شیعه درون حاکمیت

امامان معصوم شیعیانی را که با اجازه ایشان در حکومت عباسی به کار گرفته می شدند مأمور به رسیدگی به امور شیعیان می کردند.

عبدالله نجاشی، حاکم اهواز و فارس بود. یکی از مردم ساکن در مناطق تحت نفوذ او به امام صادق (ع) گفت: در دیوان نجاشی مالیاتی بر من قرار داده شده و او متدین به اطاعت توست. اگر صلاح می دانی نامه برای او بنویسی! امام برای او نامه ای نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم. برادرت را مسرور کن تا خدا تو را شاد مسرور سازد. هنگامی که این نامه به دست او رسید، در پنهانی آن را گرفته، بوسیده، بر چشمانش گذاشت و به او گفت: حاجت تو چیست؟ مرد گفت: مالیاتی بر من در دیوان تو وجود دارد. نجاشی از او درباره مبلغ مالیات پرسید که پاسخ داد: ده هزار درهم. سپس کاتب خود را فراخواند و به او فرمان داد تا هزینه آن را از جانب او پرداخت کند و همچنین هدایای فراوان به او اعطا نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۷، ۳۷۰-۳۷۱)

زیاد بن ابی سلمه می گوید: بر امام کاظم (ع) وارد شدم. به من فرمود: ای زیاد! تو کارگزاری سلطان می کنی؟ گفتم: آری. به من فرمود: چرا؟ گفتم: من مردی پر خرج و دارای نانخور هستم و چیزی بر پشت خود ندارم. [کنایه از نداشتن ثروت کافی برای هزینه ها] امام فرمود: ای زیاد! این که از کوه سقوط کنم و قطعه قطعه شوم برای من عزیز تر است از آن که برای یکی از این ها عملی را متولی شوم یا گام بر فرش او بگذارم. مگر برای چه چیزی؟ گفتم: نمی دانم جانم فدایت. فرمود: مگر برای برطرف ساختن اندوه شدید از فردی مؤمن یا آزاد سازی او از اسارت یا پرداخت بدهکاری اش. ... ای زیاد! اگر متولی چیزی از اعمال آن ها شدی با یک به یک برادرانت [سایر شیعیان] نیکو رفتار کن و خدا در پشت آن خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۸، ۱۷۲-۱۷۳)

۴-۸. تقیه

تقیه تاکتیک مهمی در فرهنگ سیاسی شیعه است که شیعیان از دوران سلطنت معاویه موظف به انجام آن شدند. امیرالمؤمنین (ع) در روزهای پایانی عمر شریف خود مردم کوفه را درباره خطر دوران معاویه چنین سفارش فرمود: پس از من بر شما مردی با حلقوم گشاده و شکم بزرگ ظاهر خواهد شد که هرچه را می یابد می خورد و هرچه را نمی یابد طلب می کند. او را بکشید و او را نخواهید کشت. آگاه باشید! او شما را به سب و براءت از من دستور خواهد داد. درباره سب، من را سب و دشنام دهید زیرا مایه ی رفعت من و نجات شماست. اما درباره براءت [که امری درونی است]، از من براءت نجوید زیرا بر فطرت متولد شده و به سوی ایمان و هجرت پیشی گرفتیم. (شریف رضی، ۱۴۰۴، ۹۲) امام در این فرمایش شیعیان کوفه را به تقیه فرمان می دهد تا در امنیت جانی بمانند؛ هرچند به سب امام انجامد.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

می توان از تقیه به عنوان یکی از زیر ساخت های سازمان وکالت نیز سخن گفت که در صورت عدم اهتمام به آن، اطلاع فعالیت ها به حکومت و جاسوسان آن می رسید و موجب دستگیری و قتل وکلا و شیعیان می شد. امام صادق (ع) به معلی بن خنیس - که وکیل ایشان در مدینه و اطراف آن بود- فرمود: ای معلی! امر [ولایت] ما را پنهان کن و آن را انتشار نده. زیرا هر کس امر ما را پنهان سازد و آن را انتشار ندهد. خدا او را در دنیا عزت بخشد و آن در مقابل چشمانش قرار می دهد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۱۰) معلی بن خنیس به خاطر همین کوتاهی و توسط داود بن علی - رئیس شرطه مدینه- به شهادت رسید. (کشی، ۱۴۰۹، ۳۷۷)

تأکید ویژه امامان بر حفظ اسرار و کتمان معارف شیعی از دیگران، نشان از اهتمام ایشان و شیعیان به تقیه و فشار شدید علیه آنان دارد. ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت می کند که سفارش فرمود: بر دین خود بترسید و آن را با تقیه در حجاب قرار دهید. زیرا کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. ... اگر مردم آن چه درون شماست را بدانند - که ما اهل بیت را دوست می دارید- شما را با زبان های خویش می خورند و مخفیانه و در آشکارا فحاشی می کنند و نسبت باطل می دهند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۰۵) محمد بن مسلم نیز از ایشان روایت می کند که فرمود: هرگاه این امر [ولایت اهل بیت] نزدیک شود نسبت به تقیه شدیدتر است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۰۷) عبدالله بن عطا می گوید: به امام باقر (ع) گفتم: دو مرد از اهل کوفه دستگیر شدند و به آن ها گفته شد از امیرمؤمنان براثت بجوی. یکی از آنان براثت جست و دیگری خودداری کرد. کسی که براثت جست آزاد شد و دیگری به قتل رسید. امام فرمود: کسی که براثت جست مردی فقیه در دینش بود و کسی که ابراز براثت نکرد مردی بود که تعجیل در بهشت داشت. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۲۶) آن چه گفته شد نشان می دهد، تقیه در فرهنگ سیاسی شیعه به عنوان تاکتیکی مطرح بوده که به صورت یک آموزه فراگیر از سوی اهل بیت (ع) الزام می شده است. تقیه در دوران ائمه ابن الرضا (ع) بیشتر شد به حدی که مستعین عباسی، امام عسکری (ع) را - برای رام شدن اسبش- ملزم کرد تا در مقابلش اسب چموش او را لگام زند و زین بگذارد (کلینی، ۱۴۰۷)؛ در حالی که این رفتار مبوط به اصطبل بانان بوده است.

### ۵. الگوی پیشنهادی با تطبیق عصری از دو دوره مناسبات امامان (ع) و شیعیان

با توجه به آن چه گفته شد، اهل بیت (ع) در زمانی که شیعیان به عنوان اقلیتی اعتقادی و سیاسی زندگی می کردند و نظام خلافت با آنان ناسازگار بود با سلسله اقداماتی از کیان شیعه دفاع کردند. این اقدام از یک سوی مبتنی بر حفظ امنیت شیعیان و از سوی دیگر، مبتنی بر مدیریت آنان بود. با این توضیح، موقعیت دفاع از شیعیان در اقلیت کشور های جهان به ویژه نیجریه، هند و پاکستان مشخص می شود. از آن جا که زیر بنای انقلاب اسلامی را اندیشه شیعی تشکیل می دهد، گسترش دامنه و صدور آن نیز متفرع بر دفاع از شیعیان است و روش این دفاع پیروی الگویی می تواند باشد که در این مقاله اشاره شد. بنابر این، در ارتباط با روابط بین المللی با شیعیان جهان پیشنهادی که مطرح می شود متکی بر سازماندهی محرمانه ی شیعیان در اقلیت با استفاده از برنامه ی دولت در سایه است که هم در تعلیم و تربیت اعتقادی آنان و هم حفظ ارتباط با جریان انقلاب اسلامی تحکیم بخش خواهد بود. در بیان ویژگی های دوره اول مناسبات به آثار منفی سستی شیعیان در تشکیل نیروی اجتماعی منسجم در سازمان امامت اشاره شد. در زمانه ی حاضر، پیوند شیعیان جهان با انقلاب اسلامی فقط از طریق نیروی اجتماعی منسجم با سازماندهی در ذیل دولت سایه امکان پذیر است تا موانعی در موفقیت جریان های انحرافی در شیعه،

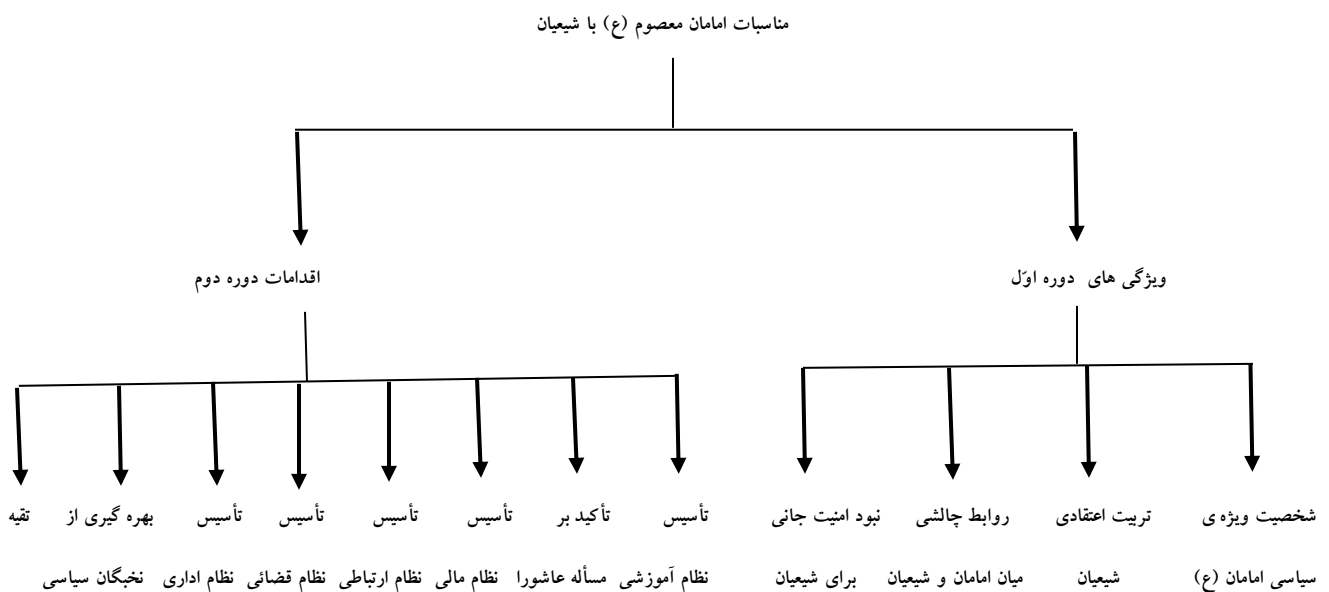
## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وهابیت و غرب گرایان در کشور های متنوع آنان واقع شود. این الگوی پیشنهادی ناظر به بخشی از ابعاد جهانی و روابط بین الملل در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که متکی بر راهبرد «سازماندهی شیعیان» معرفی می شود.

### ۶. نتیجه گیری

مدیریت راهبردی امامان معصوم در صیانت از امنیت شیعه در دو دوره قابل بحث است. در دوره نخست، علاوه بر حفظ جان شیعیان - که مربوط به امنیت سخت است - آموزش و تربیت آنان با هدف ترویج شیعه عقیدتی - که مربوط به امنیت نرم است - صورت می گیرد که چهار ویژگی دارد: شخصیت ویژه ی سیاسی امامان (ع)، تربیت اعتقادی شیعیان، روابط چالشی میان امامان و شیعیان و نبود امنیت جانی برای شیعیان.

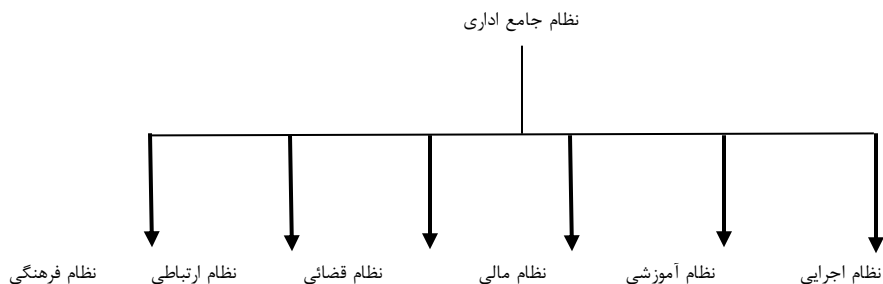
#### نمودار ۱. مناسبات امامان معصوم (ع) با شیعیان



تأمل در هشت دسته اقدامات مطرح شده نشان می دهد که امامان - به عنوان رهبران جریان اعتراض - برای صیانت از شیعه اقدام به طرح ریزی دولت در سایه در عصر حاکمیت نظام سلطه کردند و این دولت مشتمل بر نظام های ویژه ی خود به همراه نفوذ در حاکمیت بود تا شیعه و امنیت نرم آن به خوبی مدیریت شود. سازمان وکالت بخش مرکزی این دولت به شمار می آید که موقعیت راهبردی آن را نشان می دهد؛ خصوصاً آن که نظام مالی و نظام ارتباطی - چنان که پیرامون تأسیس آن گفته شد - بیشتر توسط وکلا سازمان دهی می شد. بنابر این، دولت در سایه ی اهل بیت (ع) عبارت است از یک نظام جامع اداری مشتمل بر نظام اجرایی، نظام آموزشی، نظام مالی، نظام قضائی، نظام ارتباطی و نظام فرهنگی.

# هشتمین کنگره‌س الکلومی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الکلومی پیشرفت؛ پیشران، جالش با الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خرداواها ۱۳۹۸

نمودار ۲. اجزای دولت در سایه ی اهل بیت (ع)



## فهرست مراجع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل بن ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، عزّ الدین علی بن کرم. (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر-دار بیروت.
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن. (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دار الفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف اشرف: دار المرتضویه.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶). مکاتیب الأئمة، تحقیق مجتبی فرجی، قم: دار الحدیث.
- جباری، محمد رضا. (۱۳۸۲). سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵). إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات. بیروت: اعلمی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت.
- خزعلی، ابوالقاسم. (۱۴۲۴). موسوعه الإمام الهادی (ع). قم: مؤسسه ولی عصر (عج).
- خلیلی شورینی، سهراب و معمار زاده، غلامرضا. (بی تا). مدیریت استراتژیک. فصلنامه کنترولر، ش ۵ و ۶، صص ۱۱۰-۱۴۱
- ی. سماوی، محمد بن طاهر. (۱۴۱۹). ابصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام. تحقیق شیخ محمد جعفر طبسی. قم: دانشگاه شهید محلاتی.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱). کتاب الغیبه للحجه. تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح. قم: دار المعارف الإسلامیه.
- علیخانی، علی. (۱۳۹۳). امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشکده اطلاعات.
- غلامی، مسعود. (۱۳۸۸). مبانی مدیریت (تئوری های سنتی، نگرش های جدید). تهران: ارگ.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). اختیار معرفه الرجال. تحقیق شیخ طوسی و حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد.

هشتمین کتفرانس الكوى اسلامى ايرانى بشرف؛ الكوى بشرف؛ بشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بيت و دووم و بيت و سوم خرداواها ۱۳۹۸

- كلينى، محمد بن يعقوب. (۱۴۰۷). الكافى. تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى. تهران: دار الكتب العلميه.
- لجنة التأليف، اشرف سيد منذر حكيم، (۱۴۲۹). أعلام الهداية. بيروت: معاونت فرهنگى مجمع جهانى اهل بيت.
- مجلسى، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- مرتضى، مهدي، نوشمند، محمد اسماعيل و مالكي، محمد رضا. (۱۳۹۰). مديريت راهبردى عملكرده. تهران: مركز پژوهش هاى مجلس شورى اسلامى.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳). الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد. قم: كنگره شيخ مفيد.
- ميرداماد، محمد باقر. (۱۳۱۱). الرواشح السماويه فى شرح الأحاديث الإماميه. قم: دار الخلافة.
- نائينى، على محمد. (۱۳۹۱). اصول و مبانى جنگ نرم. تهران: ساقى.